

مبتلایان به ویروس «اچ آی وی»، از مشکلاتشان در جامعه می گویند

تنهائیم!



رضا میرزاده

گاهی که درد داریم، دلمان می خواهد با نزدیکانمان حرف بزنیسم تا کمی دلداری مان بدهند و نازمان را بکشند، شاید کمی حال دلمان خوب شود. حالا تصور کنید به درد و بیماری خاصی مبتلایید که کل زندگی تان را درگیر می کند، روز به روز به خاطر استرس های سنگینی که تحمل می کنید، آب می شوید، ناچارید به تنهایی با درد بسوزید و بسازید تا کسی باخبر نشود و مردم نفهمند ماجرا از چه قرار است. دیر روز جهانی مبارزه با ایدز بود. به میان چند نفر از بیماران رقتیم که با این ویروس دست و پنجه نرم می کنند و از چالش هایشان با این بیماری شنیدیم.

گزارش روز

دندان پزشک بیرونم کرد

دندان هایم فرمی را در اختیارم گذاشتند که پرکنم، صادقانه از ابتلا به ایدز نوشتم. وقتی منشی ما چرا را فهمید، با پزشک مشورت کرد و در نهایت عذر مرا خواستند و گفتند سریع کلینیک را ترک کنم. چند کلینیک را امتحان کردم. درد دندان مانم را بریده بود. ناگزیر شدم هنگام مراجعه به کلینیک از ابتلا به اچ آی وی چیزی به زبان نیاورم، اما تا مدت ها عذاب وجدان داشتم. گفتن این مسئله آسان است، اما آن قدر از نظر روحی ما را تحت فشار قرار می دهد که کمتر کسی متوجه عمق ماجرا می شود.

محمد ۵۲ سال سن دارد. او حدود ۱۰ سال قبل، درست زمانی که اعتیادی شدید داشت، از طریق سرنگ های آلوده، به ایدز مبتلا شد و حالا بعد از پنج سال پاکی، مراحل درمانش را پشت سر می گذارد. از او می خواهیم یکی از چالش هایی را که با این بیماری دارد، برایمان بازگو کند. می گوید: آن قدر مواد کشیدم تا دندان هایم از بین رفتند. تا دلتان بخواهد درد دندان داشته ام. یکی از چالش هایی که اخیرا با آن روبه رو شده ام در رابطه با دندان پزشکی است. وقتی برای کشیدن و عصب کشی

دکتر که می گوید درمان می شوم.

پدرم بارها جلوی چشمم بساط راه انداخت و من هم طبیعتا به این سمت کشیده شدم. استفاده از انواع سرنگ از یک سو و روابط آلوده از سوی دیگر باعث شد به بیماری های زیادی مبتلا شوم. وقتی آزمایش دادم و دکتر گفت ایدز گرفته ام، انکار دنیا روی سرم خراب شد. اسم این بیماری ترسی عجیب در جانم انداخت، اما از همان روز شروع به درمان

تنهای تنهای تنها

دکتر که می گوید درمان می شوم. زخم هایم بهتر است. مواد را هم ترک کرده ام. اما تنها شده ام و این تنهایی بدترین درد است. آن هم وقتی به محبت و همراهی و حتی شنیده شدن احتیاج دارم. هیچ دوستی ندارم. خیلی ها می گویند: «اینها را می توان مدیریت کرد». اما من نگاه می کنم. هر قدر هم که پزشکان می گویند درمان پذیر است، باز هم بقیه می ترسند.

رئیس گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های و اگر معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی:

بهترین راه پیشگیری، درمان مبتلایان است

رضا میرزاده

دکتر «زهرانه پندانی»، رئیس گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های و اگر معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، معتقد است بهترین راه پیشگیری از انتشار

ایدز، درمان مبتلایان به این ویروس است. مهم ترین فعالیت های ما در حوزه جلوگیری از انتشار بیماری نیز در ارتباط با شناسایی افراد مبتلا به ایدز و ارائه خدمات درمانی، پشتیبانی و حمایتی به آن هاست.

● مادر مبتلا به ایدز می تواند فرزند سالم به دنیا بیاورد

نهپندانی خاطرنشان می کند: استفاده از درمان مناسب در فاصله سه تا شش ماه موجب کاهش درخور توجه میزان ویروس در بدن مبتلایان می شود و فرد به جایی می رسد که عملا قابلیت انتقال ویروس را ندارد. البته این درمان (شبیه درمان بیماری هایی نظیر دیابت) دائمی است و باید به صورت پیوسته دنبال شود. در گذشته باید منتظر می شدیم علائم بیماری پس از گذراندن دوره ده ساله در فرد مبتلا ظاهر شود و پس از تضعیف مقاومت بدنی، دارو در اختیار او قرار می گرفت؛ اما اکنون از هر زمان که تشخیص داده شود ویروس در بدن فرد وجود دارد، درمان او آغاز می شود. دارو و میزان مورد نیاز آن نیز تقریبا در مراحل مختلف تشخیص، اعم از حالت نهفته یا حالت ظهور بیماری یکسان است و امکان دارد در مورد نیاز آن برای افرادی که بیماری در آن ها ظاهر شده است، کمی متفاوت باشد.

نهپندانی تأکید می کند: حتی مادر اچ آی وی مثبت هم با مصرف دارو و عمل به توصیه های درمانی و مشاوره ای می تواند فرزند سالم به دنیا بیاورد و حتی نیازی به انجام سزارین هم برای تولد فرزند خود نداشته باشد.

● به «اچ آی وی مثبت» برچسب نزنیم

رئیس گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های و اگر معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد تأکید می کند، باید دقت کنیم که انگ و برچسب را از بیماری برداریم و رسانه ها در این زمینه می توانند نقش آفرین باشند. باید به گونه ای رفتار کنیم که هر کس به هر دلیل در معرض ابتلا به بیماری قرار گرفته است، به صورت داوطلبانه به مراکز درمانی مراجعه کند و آزمایش بدهد و در صورت اطمینان از ابتلا به ویروس، درمان خود را آغاز کند. با این کار، بیماران تنها به خود کمک می کنند، بلکه مانع انتشار بیشتر بیماری

روز جهانی ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

ایدز

آمیزشی و در نهایت مراجعه فرد مبتلا به مراکز درمانی، بیماری تشخیص داده شود. متأسفانه به دلیل بروز برخی رفتارهای جنسی، به نظری رسد تا حدودی کنترل بیماری نیز از اختیار سیستم درمانی خارج شده است.

● تشخیص قطعی ایدز به ۳ ماه زمان نیاز دارد

نهپندانی در بخش دیگری از سخنان خود می گوید: تشخیص قطعی و دقیق مبتلا شدن یا نشدن شخص به بیماری از طریق آزمایش، به یک دوره زمانی نود روزه احتیاج دارد. به این صورت که فردی که به هر دلیل در معرض ابتلا به بیماری قرار می گیرد و برای آزمایش اقدام می کند، ممکن است در مدت بیست دقیقه مثبت بودن ابتلا او مشخص شود، اما اگر نتیجه آزمایش او منفی شود، باید ارتباط خود را تا زمان قطع شدن مبتلا شدن یا نشدن به بیماری، با مراکز درمانی حفظ کند و در ضمن از آموزش های مراکز مشاوره در این مدت استفاده کند تا قطعاً مشخص شود که ویروس در بدن او وجود دارد یا نه. او می افزاید: به نظر می رسد ترس از ایدز و نگاه مبتلایان، نسبت به گذشته تغییر کرده است، اما سرعت آن کند است و رسانه در این زمینه می تواند تأثیر بیشتری داشته باشد. جامعه باید به همان میزان که از ابتلا به بیماری و همه دارد، از انگ و برچسب زدن به مبتلایان هم جلوگیری کند تا سرعت کنترل بیماری افزایش یابد. ترساندن جامعه از ابتلا به بیماری، شاید در کوتاه مدت مؤثر باشد، اما درکل، بیشتر تأثیر عکس دارد.

● هزینه های درمانی، بسیار بالا ولی رایگان

رئیس گروه پیشگیری و مبارزه با بیماری های و اگر معاونت

حسنا یکی دیگر از همشهری هایمان است که پنج سال قبل به ویروس ایدز مبتلا شده است. چالشی که او با این ویروس دارد، در برخورد با پزشک زنان است. می گوید: فروردین سال قبل باردار شدم. برای درمان و معاینه نزد پزشک زنان می رفتم. وقتی که پزشک باخبر شد ایدز دارم، دیگر من را ویزیت نکرد. در روزهایی که از لحاظ روحی نگران این بودم که خدای ناکرده فرزندم به ایدز مبتلا شود، این مشکل هم اضافه شد. چهار

پزشک در دوران بارداری حاضر به معاینه ام نشد

پزشک را در ۹ ماه بارداری تغییر دادم. برای زایمان هم دوست داشتم پزشک خودم بیاید، اما وقتی از بیمارستان با او تماس گرفتم که برای تولد بچرم خودش را برساند، گفت که خارج از استان است و به ناچار پزشک شیفت، از هم با استرس و... بچه ام را به دنیا آورد. در مراکز درمانی و بهداشتی هم آن قدر از مواجهه با ما می ترسند که حتی پرونده را خودشان به ما نمی دهند. می گویند در قفسه است خودتان بردارید.

زندگی دیگر عادی نیست

می کردم، اما حواسم به این نبود که دستم صبح همان روز در آشپزخانه زخمی شده است. موقع بررسی زخم ها دستکش نبوشیده بودم. به همین سادگی گرفتار شدم. درست است که این بیماری کنترل شدنی است، اما به خاطر نگاه های نزدیکان، دیگر زندگی عادی نداری. حتی خیلی از افراد دوروبرم که خبر ندارند که چه دردی دارم و مراعات کردنم را می بینند، مشکوک می شوند که چه شده است. خیلی وسواس دارم که دیگری را آلوده نکنم. هر چند می گویند بیماری ام کنترل شده است، باز هم دیوانه وار مراقبم که موجب آلودگی دیگران نشوم.

درگیری این خانم با اچ آی وی خیلی دردناک است و زجرآور. پنجاه سال دارد. به خاطر نیاز مالی در یکی از مراکز ترک اعتیاد کار می کرده که بالاخره یک روز زمان تحویل گرفتن یکی از بیماران که خودش هم بی خبر از بیماری بوده است، مبتلا می شود و همه زندگی اش به هم می ریزد. می گوید: وقتی فهمیدم گرفتار شده ام که خیلی دیر بود. تب و سردرد زیادی داشتم، ولی فکر می کردم از فشار کار است. ماجرای بیماری من از روزی شروع شد که یک بیمار پرخطر را در مرکز ترک اعتیاد تحویل گرفتم. باید بدن او را بررسی و زخم ها را ضد عفونی و بانسمان

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش

گزارش



گره به گره، رج به رج، قالی به قالی؛ این روایت دستان هنرمند زندانیانی است که گرچه گذرشان به زندان افتاده است، دنیایشان دیوار نیست و این دارهای قالی هستند که دنیا را برایشان می سازند. حکایت، حکایت زندانیان خراسان شمالی است که امید را به همت گره زده اند تا هنر دستشان در چندین قالی اعلا و نفیس ایرانی تجلی پیدا کند و آخر سر هم، مثلا خواهانی پیدا کنند از آن سر دنیا. «صادرات چهار تخته فرش نفیس توسط بافندگان زندانی خراسان شمالی به آلمان»؛ قطعا این خبر از شیرین ترین اخباری است که در این چندروز به گوشمان خورده است: زیرا هر نشان از امید و تلاش مددجویان در بند دارد، هم از درایت مسئولان، هم از صادراتی ارزشمند. موضوع از این قرار است که طی تقاهم نامه مجتمع قالی بافی اعلایان آبادان با کشور آلمان، چهار زندان شیروان است. البته فقط همین نیست و طی قراردادی با کشور کانادا قرار است ۱۵۰۰ متر فرش نفیس نیز طی یک سال، آمادو صادر شود.



شنبه
۱۱ آذر ۱۴۰۲
۹ شهریور ۱۴۰۲
شماره ۳۰۸

۱۳



جامعه